

۵۱ - گزینه (۳) : (درس ۱ ، دین و زندگی ۱ ، صفحه ۱۶)

برای انتخاب صحیح هدف ها و دل بستن به آن ها باید ارزش هدف ها را مشخص کنیم و شناختن با ارزشی که دارند، به آنها رتبه دهیم. این چنین، هدف های زندگی به هدف های اصلی و فرعی تقسیم می شوند

دلیل نادرستی گزینه های (۲ و ۴) : قیدهای « تنها » و « فقط » برای هدف های اصلی ، نادرست اند زیرا هدف های فرعی نیز خوب و ضروری اند

دلیل نادرستی گزینه (۱) : اگر هر کس با نیتش و تلاش خاص خود به سراغ هدفی برود ، هدف صحیح انتخاب نمی شود

۵۲ - گزینه (۴) : (درس ۹ ، دین و زندگی ۱ ، صفحه ۹۹ و ۱۰۰)

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم ها و کارهای انسان است. فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در دل بستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت ها است که به زندگی آدمی جهت می دهد.

کمال محبت الهی در عبارت « وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ » و کسانی که ایمان آورده اند خدا را

محبت بیشتری دارند « در انتهای عبارت قرآنی « وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ لَوْنِ اللَّهِ أَنْذَارًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ »

۵۳ - گزینه (۲) : (درس ۲ ، دین و زندگی ۱ ، صفحه ۱۵)

خداوند با دارن نعمت های مادی و معنوی به انسان ، او را گدایی دانسته و به او کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است. آنچه در آسمان ها و زمین است ، برای انسان آفریده و توانایی بهره مندی از آنها را در وجود او قرار داده است. همه این ها نشان می دهد خداوند تعالی برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه ای قائل شده است.

۴۴-گزینہ (۱): (درس ۳ و ۶، دین و زندگی ۳، صفحه های ۳۴ و ۷۲)

وقت شود که ست ابتداء، بالکده و ازده فتنه در آید، و مِنْ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حِدِّهِ
فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ
وَالَّذِي هُوَ الخُسْرَى الْمُبِينُ: از مردم کسی هست که خدا را بر یکی جانب و کنده ای [تنهایی زبان و
هندام وسعت و آسودگی] عبادت و بندگی می کند. پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می گیرد و
آلای بلای به او رسد، از خدا رو بگردان می شود. او در دنیا و آخرت، [هدو] زبان می بندد. این همان
برای آشکار است. «اشاره شده است و روگردانی از خدا، و انفس عابدان از روی تردید در برابر
فتنه ها و ابتلاوات است»

۴۵-گزینہ (۱): (درس ۴، دین و زندگی ۳، صفحه های ۴۸ و ۴۹)

کلی از راه های تقویت اخلاص، یاد و نیاز با خدا ~~و~~ و گن خواستن از او است. زیرا نیایش و عرض
نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او برای رسیدن به اخلاص، عقولت از خداوند را کم می کند، محبت
او را در قلب تقویت می سازد و انسان را بره مندر از کمک های الهی نماید.

۴۶-گزینہ (۲): (درس اول و ۳، دین و زندگی ۳، صفحه های ۲۲ و ۵۸)

آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُحِيطُ بِالسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ شَرَعًا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَعْمَى»
هانا که خداوند نده می دارد آسمان ها و زمین را از آنکه نابرد شدند؛ و اگر ~~بخواهند~~ بخواهند نابود شوند؛
کسی نمی تواند آنرا حفظ کند، مگر خود خداوند. «بیانگر نهمبانی خداوند از جهان است که مربوط به تدبیر
امور جهان بوده و توجه در رجوعت را می رساند. این آیه به ویژگی پادشاهان جهان و نهمبانی خدا اشاره دارد
که به ترتیب بیانگر قدر و قضای الهی است».

۴۷-گزینہ (۴): (درس ۱ و ۲، دین و زندگی ۳، صفحه های ۱۹ و ۱۰)

آیه «اللَّهُ الْقَمَدُ» بیانگر بی نیازی خداوند است که با عرض نیاز دائمی و پیوسته و موجودات به پیشگاه خدا
در آیه «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»: هر آنچه در آسمان ها و زمین است،
پیوسته از او درخواست می کند. او همواره دست اندر کار امور است. «مربوط است».

شخص نہ بنیاد داری و لحظہ بہ لحظہ و عنایات پرستی خداوند در بیت ۱ ما ہم شدان ولی شد علم
 حملہ بیان از بار باشد دم به دم « آگاہ باشد یعنی معرفت خود بہ رابطہ اش با خدا را بیشتر
 احساس و محبت و بندگی خود را بیشتر ابراز کند ~~اللہ اعلم~~ بر این مبنی است کہ پیامبر گرامی ما،
 با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الہی، عاجزانه از خداوند درخواست خواهد کہ بر این لحظہ ہم،
 لطف و رحمت خاصش را از او بپذیرد و او را بہ حال خود واگذار کند: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي
 طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا» ~~خدا یا مرا چشم بہ چشم ز زنی بہ خودم واگذار~~»

رسول خدا ص، آن قدر باور یابی و صبر و تحمل، بہ هدایت مردم از امام می داد، کہ گمان نزدیک بود
 از شدت غصہ و اندوه فراوان از یاد آید کہ خداوند بہ او فرمود: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسًا
 أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»: از آنکہ برخی ایمان نمی آورند شاید کہ جانت را [از شدت اندوه] از دست
 بدهم. « این آیه بیانگر سخت کوشی و دلسوزی پیامبر در هدایت مردم است.
 انما علی (ع) در وصف طبابت سید رسول خدا ص فرمایند: «... بر دل های کور، گوش های که،
 زبان های گنگ، او با دوا و دهن خوش بیماران غفلت زده و سرگشته را درمان می کند.»
 دقت شود کہ اشاره بہ ~~اللہ~~ «دل خالی از کدورت»، بہ حدیث پیامبر در مورد «محبت و مدارا با مردم»
~~توجه می دهد~~

وجود دویا چندین در یک زمان نشانگر این است کہ پیروان پیامبر قبل از آخرین پیامبر ایمان
 نیامورده اند و این کار بہ معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از ~~پیامبر~~ پیامبر
 گذشته است.
 دقت شود کہ سرپیچی از کتاب آسمانی صحیح نیست. زیرا انوما در ~~کتاب~~ کتاب ~~پیامبر~~ پیامبر بعدی شہادت
 راجع نشده است. اما خود پیامبر بہ آیدن پیامبر بعدی شہادت می داد و بر پیروی او تأکید می کرد.
 آنان کہ دینی غیر از اسلام را برگزیده اند، در آخرت زبان می بینند: «وَصَفَّ يَبْخَعُ خَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا»

قُلْتُ يُقْبَلُ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ وَوَرَأْسُكَ كَذَلِكَ مِنْ جِزِّ اسْلَامِ اخْتِيَارِكَ كُنْتُ، از او بدست نخواستند
 شد و در آخرت از زبان کاران خواهد بود»

۶۱- گزیده (۱): (درس ۵، (دین و زندگی ۲، ص ۵۰، ۵۱، ۵۲)
 حدود طهارت سه سال از بعثت گذشته بود که اولین دعوت علنی پیامبر، این مومنان از جانب خداوند
 برای پیامبر آمد: «وَ اتَّبِعْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ: خویشانتان نزدیکترین را اتقاد کن. برای انجام این دستور،
 رسول خدا را، چهل نفر از بزرگان بنی هاشم (عشیره خود) را دعوت کرد و درباره اسلام با آنان سخن
 گفت و آنان را به اسلام دعوت کرد. همه پیامبران سکوت کردند و جوابی ندادند و فقط علی (ع)
 بسیار اعلی و فادای خود و پیامبر ایشان را به عنوان هاشمین خود معرفی کرد.

۶۲- گزیده (۲): (درس ۸، (دین و زندگی ۲، ص ۱۱۵)
 امام حسین (ع) در زمان معاویه همان روش برادرش بزرگوارش (امام حسن (ع)) را پیش گرفت
 و تا معاویه زنده بود (به مدت ۴۰ سال) علیه او جهاد نکرد؛ ولی با انتقادها و شهادت از معاویه برآمده را
 آنگاه بخورد.

۳۴- گزیده (۱): (درس ۳، (دین و زندگی ۱، ص ۳۶، ۳۷)
 دیدگاه اعتقاد به معاد در آیه: «وَمَا هِيَ إِلَّا الدُّنْيَا أَلْهَوْا وُجُوهَهُمْ وَ إِنَّا الدَّارُ الْآخِرَةُ
 لَكَيْنِ الْكَيْنُونَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ: این زندگی دنیا، چیزی جز سرگشته و بازی نیست و سران آخرت، زندگی
 حقیقی است. اگر می دانستند.» مطرح شده است. در این دیدگاه، پیامبران الهی و پیروان آنان
 صرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی بینند؛ بلکه آن را غمرویی برای جسم و تن انسان و مخلوقی
 در حقیقت تر برای روح انسان می دانند یا پلی به حساب می آورند که آدمی را از یک مرحله هستی
 (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می کند. آنان آخرت را زندگی حقیقی: «لَكَيْنِ الْكَيْنُونَ»
 توصیف می کنند.

وقت شود که در آیه ذکر شده، هر یک ارزش دنیا تا نگید شده است، پس ارزش آن (نارسی)
 نرسیده (۱۳ و ۱۴).

۶۴ - گزینہ (۲) : (درس ۴، دین و زندگی ۱، صفحہ ۴۸، ۴۹)

مبحث از یاداش و کفر اعمال، مربوط - عدل الصواب بگو از دلیل امکان ناپدید بودن برقرار است
عدل الصواب در دنیا، این است که یاداش بسیار از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر
نست. پس ضرورت دارد که جهان دیگری باشد که شخص سید به یاداش عمل خود میرسد و این
همان سرزمین ضرورت معاد در پروردگار است که در آیه «أَمْ نُجْزِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نُجْزِلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» آیات ما آنرا را که ایمان
آورده و کارهای شایسته انجام داده اند مانند کفار را که بی ایمان قرار خواهیم داد؟ آیات متقین را
مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟ اشاره شده است.

۶۵ - گزینہ (۳) : (درس ۱، دین و زندگی ۲، صفحہ ۵۱)

انسان به عدل دارد بودن اختیار می تواند برانده های دیگری را نیز برگزیند اما چنان که گفته شد
چون هر برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند نمی تواند پاسخ درستی ب آن نیازها بدهد، انسان
زیان خواهد کرد و بار دست خالی دنیا را ترک گفته و به دیار آخرت خواهد ستافت و در آنجا
زیان خود را مش هده خواهد کرد. قرآن کریم چنین گفت «تاسیوا» ناسیه و می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ
السَّبِيلَ إِنَّمَا أَرَادُوا كُفُورًا» : همانا ما راه را به او نشان دادیم. یا سبئین را خواهد برده یا ناسیه

۶۶ - گزینہ (۱) : (درس ۶، دین و زندگی ۱، صفحہ ۶۵)

با پایان دوران زندگی انسان در دنیا، مرحله اول قیامت آغاز می شود که اولین حادثه در آن **تسویه**
ستوده شدن صوابی صیب است. صوابی کسی است که همه آسمان ها و زمین را فرامی گیرد و این
اتفاق چنان ناگهانی رخ می دهد که همه را غافلگیر می کند.

۶۷ - گزینہ (۳) : (درس ۱۱، دین و زندگی ۱، صفحہ ۱۲۷)

دقت شود که در این سؤال، پیامد تبتیح خواسته شده است، نه تعریف آن
معنا این است که برخی انسان ها در آراستگی و ابزار وجود و مقبولیت، دچار تندروی می شوند؛ به گونه ای که
در آراسته گشتن خود، زیاده روی می کنند و به خود نمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را تبتیح می نامد و آن را

اما باید تبیح این است که باعث عقبت انسان از طرف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهای بی شکر است
و زبان رور در آستین و توضیح از حد آن

عاقبتی جز نرسیدن از خدا ندارد

۶۸- گزینہ (۴): (درس ۷، دین و زندگی ۳، صفحہ ۱۸۹)

از روش هار شیطان برای نشان دادن انسان به تفاوت این است که او را تمام گام و آهسته به سمت گناه می کشاند تا در این فرایند توبی، متوجه زشتی گناه و قبح آن نشود و اقدام به توبه نکند.
حلیہ بنسوف به معنای امروزه فردا کن و کار امروز را به فردا انداختن است. به عبارت سلیبی
زیتر، فردا نکند دائما به خودی گوید «به فردا توبه می کنم» و این تفسیر را آن قدر تکرار می کند، تا اینکه میل به توبه در او خاموش می شود.

۶۹- گزینہ (۳): (درس ۴، دین و زندگی ۲، صفحہ ۴۰ و ۴۹)

قرآن مجید در مورد ضرورت پذیرش ولایت الهی و شر حاکمیت طاغوت می فرماید: «الْم تَرِ الْاَلِ الذِّی یَزْعَمُونَ اَنْهُمْ اَمَنَّا بِمَا اُنزِلَ الْاَلِکَ وَ مَا اُنزِلَ مِنْ قَبْلِکَ مُرِیوْنَ اَنْ یَسْحَکُوْا اِیَّی الْاَلِکَ وَ قَدْ اُجْرُوا اَنْ یُکْفَرُوْا بِهٖ وَ یُرِیْدُ الشَّیْطٰنُ اَنْ یُضِلَّکُمْ ضَلٰلًا بَعِیْدًا: آیا ندیده ای کسانی که ایمان می برند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می خواهند داوران به نزد طاغوت بزنند، حال آنکه به آنان دستور داده شده که به آن کفر بوززند و شیطان می خواهد آنان را به گمراهی دور دراز بکشد» بین ویرانی کسانی که شیطان آنان را به گمراهی دور دراز می کشاند ایمان پذیر است: «یَزْعَمُونَ اَنْهُمْ اَمَنَّا».

۷۰- گزینہ (۳): (درس ۶، دین و زندگی ۳، صفحہ ۷۷ و ۷۰)

بنابر سخن امام صادق (ع) درباره سنت استراج: «هنگامی که خداوند ستر بدهد اسل [بنده اسل که غرق گناه شده است] را بخواهد، بعد از انجام گناه نغمی به او می بخشد تا استغفار را فراموش کند و به راه خدا ادامه دهد. این همان است که خداوند فرموده: «لَسْتَغْفِرُ لَهُمْ مِنْ حَمَلَتِ»

۷۱- گزینہ (۲) : (درس ۱۲ ، دین و زندگی ۲ ، صفحہ ۱۷۳)
قرآن کبھی از دختران و سیران می خواهد که قبل از ازدواج ، حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد . این موضوع بیانگر یکی از برنامه های آمادگی برای ازدواج ، یعنی « تقویت عفاف و پایداری خود از آغاز بلوغ » است .

۷۲- گزینہ (۳) : (درس ۱۰ ، دین و زندگی ۳ ، صفحہ ۱۳۳ و ۱۳۴)
با ظهور تمدن روم اروپا در حوزه قرون وسطی و کنار گذاشتن اعتقادات باستانی و بت پرستی در روم آوردن به مسیحیت ~~در روم~~ ، مردم بت پرست اروپا به یک دین الهی معتقد شدند ، بت ها و بت خانه ها از بین رفت و اتحاد و یکپارگی در سراسر اروپا حاکم شد .
اما از سوی دیگر ، مبلغان مسیحی که تبلیغات تبلیغی پیچیده و وسیع را جهت تبلیغ اعتقادات مسیحیت تأسیس کردند بودند ، اعتقادات نادرستی را که از نظر خودشان اعتقادات رسمی مسیحیت بود ، تبلیغ می کردند . بنابراین اعتقادات نادرست مبلغان مسیحی موجب انحراف این تمدن گردید .

۷۳- گزینہ (۱) : (درس ۸ - دین و زندگی ۳ ، صفحہ های ۱۰۶ و ۱۰۷)
در ~~اصول~~ اقتصاد ، باید قبل از ورود به عرصه کار و تجارت ، با احکام تجارت آشنا شویم تا گرفتار کسب حرام نشویم . حضرت علی (ع) در این باره فرمودند : لا یأمنن من التجار ، الفقه ، ثم المتجرون .
ای گروه تاجران و بازرگانان ، اول یادگیری مسائل شرعی تجارت ، سپس تجارت کردن .

۷۴- گزینہ (۴) : (درس ۱۰ ، دین و زندگی ۲ ، صفحہ ۱۴۴)
شرایط مرجع تقلید عبارت است از : ۱- بانحوه باشد . ۲- عادل باشد . ۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز ، به دست آورد . ۴- اعلم باشد ؛ یعنی از میان فقها از همه عالم تر باشد . فقہی که این شرایط را دارد مشرعیست دارد ؛ وگرنه پیرو سزاوار

استورات و حرام است

محمد رضایی بقا

۷۵-گزینہ (۱) (دس ۱۰، دس و زبیدی ۱، صفحہ ۱۱۸)

شخص اول مسافر کہ باید نمازوں را شکست بخواند، این است کہ مسافت رفت او، پیش از

۴ فرسخ باشد ^{مجموعه} رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد
شرعی

بنابر این کسی که مسافت رفت او ۳ فرسخ است، ~~مسافت~~ باید نماز و روزه اش را کامل انجام

رفت او

دهد

ردگزینہ (۲) کسی کہ رفت او کمتر از ۴ فرسخ نباشد، یعنی ~~لا~~ فرسخ یا بیشتر است و جمعاً بازگشت
او کمتر از ۸ فرسخ نیست، پس بیشتر از ۸ فرسخ می شود و مسافر ~~بوده~~ و نماز شکسته است.

رفت و برگشت او

ردگزینہ (۳) ~~کسی~~ که رفت و برگشت او جمعاً ۸ فرسخ باشد و رفت او بیشتر از ۸ فرسخ
(یعنی پیش از ۴ فرسخ است)، مسافر محسوب می شود و نماز شکسته است

ردگزینہ (۴) کسی کہ هر کد آن از مسافت ~~حالی~~ رفت و برگشت او کمتر از ۴ فرسخ ~~باشد~~

نباشد، یعنی رفت او پیش از ۴ فرسخ بوده و مجموعه رفت و برگشت او ^{مسافت}

پیش از ۸ فرسخ است پس مسافر محسوب شده و نماز شکسته است